

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۰۹ اگست ۲۰۱۵

منطق طالبانی برای تثبیت حق حاکمیت

حمله انتحاری حوالی صبح روز قبل در سرک سوم شاه شهید، که در اثر آن هشت تن کشته و در حدود چهار صد نفر زخمی شدند، در حالی اتفاق افتاد، که همه اهالی منطقه شاه شهید در خواب عمیق فرو رفته بودند. این حمله به اندازه ای قوی و هولناک بود، که قرارگزارش برخی از منابع، بیشتر از یک هزار منزل مسکونی در این منطقه شهر تخریب شدند. صدای انفجار به حدی بلند بود، که خواب تقریباً تمام اهالی شهر کابل را به هم زد. چند ساعت پس از این حمله، حمله دیگری بر اکادمی پولیس در نزدیکی پولی تخنیک کابل در منطقه افشار نانکچی (سیلو)، و ساعاتی پس از آن حمله دیگری در نزدیکی میدان هوایی کابل صورت گرفت. مجموع تلفات این سه حادثه چیزی بیشتر از پنجاه نفر و تعداد زخمی ها، نظر به برخی منابع، در کل به پنج صد نفر می رسد.

منابع خبری می گویند، که مسؤولیت دو حمله انتحاری، حمله بر اکادمی پولیس و حمله بر تأسیسات نظامی جوار میدان هوایی کابل را طالبان به عهده گرفته اند.

حمله به شاه شهید را تا هنوز هرچند کسی به دوش نگرفته است، اما با تجربه ای که طی این همه سال به دست آمده است، با اطمینان می توان گفت که مسبب اصلی آن نیز، غیر از طالب نمی تواند کس دیگری باشد. طالبی که طی چهارده سال حملات انتحاری به ده ها هزار انسان بی گناه این مرز و بوم، از جمله زنان و کودکان را به خاک و خون کشیده و هزار ها خانواده را در غم و اندوه نشانده است. اگر پرسیده شود: برای چه؟ خواهند گفت: برای گرفتن قدرت و انفاذ قانون و شریعت اسلام در افغانستان!

با این منطق طالب دست به جنگ در افغانستان، بریدن سر ده ها انسان، اختطاف، دهشت افگنی و حملات انتحاری می زند، و بدون جدا سازی افراد نظامی از غیرنظامی، بدون توجه به این که طی هر حمله ای چندین زن و کودک و جوان و پیری که غیر از زندگی و کار در کشور خود هیچ گناه دیگری ندارند، کشته می شوند و خانه و جای شان تخریب می گردد؛ به جنایاتی دست می زند که به هیچ عنوانی قابل فهم و به هیچ قاموسی برابر نیست!

جنگ طالب و حقانی و دیگر دسته هائی که به نیابت پاکستان در کشور ما می جنگند، اگرچه می گویند با مهاجمین و اشغال گران می باشد، در حقیقت طوری که در عمل نشان داده اند، تنها علیه مردم بی گناه ما به راه انداخته شده است! از این هم دشوار تر اینست که با چنین رویه خشن و خونین و جنایت کارانه و ضد انسانی و غیرقابل بخشش و فراموش ناشدنی، چگونه و با چه استدلال عاقلانه و چه روئی طالب انتظار دارد، که اگر فرصت برایش میسر گردد، قدرت را در افغانستان به دست گیرد، حکومتی تشکیل دهد، بر مردم فرمان براند و امارت کند؟

آیا چنین تفکر و منطق، منطق طالب است، یا منطق دین طالب؛ یا هر دو؟! ما شنیده ایم، که بسیاری از مسلمانان می گویند، که در اسلام حکومت، حتی اگر به نام خدا هم باشد، باید بر بنیاد رأی مردم باشد. از حکومت مطلقه عربستان سعودی و چند امارت و متحد سلطنتی این کشور، که بگذریم، در تمام کشور های اسلامی، حتی در جمهوری اسلامی ایران، اگر به گونه نمایشی هم است، حکومت ها از راه انتخابات و نظر به آرای مردم گماشته می شوند.

چنین امری، اگر مطابق با اصول دموکراسی، یعنی حکومت مردم برای مردم و از طرف مردم باشد یا نه باشد، تن دادن به این اصل و پذیرفتن نفس انتخاب زعیم، حتی به ظاهر از جانب مردم، می رساند، که مسلمانان جهان، به استثنای چند کشوری مانند عربستان، حکومت در یک کشور را حق مردم می دانند و می پذیرند، که اصل انتخاب زعیم در تفکر اسلام [هرچند وجود نداد - راقم]، وجود دارد و باید عملی شود!

اگر قضیه واقعاً چنین است، پس طالب با چه منطقی، درحالی که دست به کشتار هزارها انسان بی گناه، به انواع گوناگون می زند، آرزو دارد در افغانستان به قدرت برسد و حکومت کند؟!

آیا طالب می خواهد حکایت و شرارت و جنایت چنگیز و هلاکو و تیمور و... را که بعد از تخریب شهر ها و از دم تیغ کشیدن اهالی آن ها بر اریکه قدرت تکیه می زدند - در یک کشور کاملاً ویران و خالی از سکنه - تکرار کند؟! بسیار امکان دارد؛ زیرا منطق طالب، منطقی است بی مانند و مخصوص به خود طالب؛ اعجوبه ای، که هنوز نمی داند حکومت با تخریب و فروش کشور و با بستن و کشتن مردم نه، که با رضایت و حمایت، با همکاری و همیاری و با شاد کردن و آباد کردن مردم، ممکن می شود!!

۲۰۱۵/۰۸/۰۸